گزارش

لایه‌های آشکار و پنهان سفر ترامپ به خلیج فارس

ادامه از صفحه ۲

این اختلافات می‌تواند در مورد مذاکرات ایران با آمریکا هم وجود داشته باشد. وجه مثبت این اختلاف برای ایران این است که آمریکا به دام جنگ علیه ایران نمی‌افتد. وجه منفی آن نیز این است که ممکن است اسرائیل پس از توافق احتمالی ایران با آمریکا خودسرانه بازی را بر هم زند و در ائتلاف پنهان با چند کشور اروپایی به عملیات خرابکاری یا ترورها بدون بر عهده گرفتن مسئولیت دست بزند.

۸) این سفر وزن عربستان را در معادلات آتی سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه افزایش داد. اولا نشان داد عربستان هم‌وزن ترکیه در سوریه نفوذ دارد؛ ثانیا نشان داد در دولت ترامپ، عربستان و اسرائیل مهم‌ترین هم‌پیمانان آمریکا در منطقه هستند و ثالثا جایگاه بالای عربستان در مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا را ثابت کرد.

۹) اظهارات ترامپ درباره مقایسه ایران قدیم با ایران جدید و گذشته و حال کشورهای عربی نشان داد او در ایجاد جنگ روانی از هوش سیاه و شیطانی بسیاری برخوردار است. اظهارات او مسئولان جمهوری اسلامی را به واکنش وادار کرد و این دقیق همان چیزی بود که ترامپ می‌خواست.

۱۰) در نهایت، سفر ترامپ به منطقه و مجموعه کنش‌ها و واکنش‌ها نشان داد غرب آسیا مملو از عدم قطعیت‌هاست و «پیچیدگی، ابهام و عدم قطعیت» کماکان سه مؤلفه اصلی مسائل سیاسی و امنیت منطقه طی سال ۲۰۲۵ خواهد بود.

کیفرخواست جدید در پرونده چای دبش

ادامه از صفحه ۲

وی افزود: درخصوص اختلالاتی که با خاموشی‌ها در دادگاه‌ها ایجاد می‌شود نیز معاونت مالی و پشتیبانی قوه قضائیه در تلاش است با تمهیداتی که برای جلوگیری از قطعی برق در مراجع قضائی پیش می‌آید، با هدف خدمت‌رسانی به مردم، شرایطی را فراهم کند تا خدمت‌رسانی با اخلال روبه‌رو نشود.

برخورد با فساد ابربدهکاران در پرونده‌های کلان اقتصادی

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سؤالی درباره اقدامات قوه قضائیه در برخورد با فساد ابربدهکاران در پرونده‌های کلان اقتصادی و اقدامات بانک‌ها گفت: در بسیاری از پرونده‌های اقتصادی، در ابتدا خود بانک‌ها به‌عنوان شاکی ورود کرده‌اند، اما در ادامه مشخص شده که برخی از این بانک‌ها نیز در بروز مفاسد نقش داشته‌اند؛ خواه به دلیل ترک فعل و خواه به دلیل قصور یا بی‌توجهی به مقررات قانونی. این موضوع منجر به ایجاد مشکلاتی در فرایند رسیدگی به پرونده‌ها شده است. وی افزود: اخیرا نیز اعلام شده است اعضای هیئت‌مدیره و مدیران سابق یکی از بانک‌های دولتی، به‌عنوان متهمان یکی از پرونده‌های مشهور اقتصادی (موسوم به پرونده دبش) تحت تعقیب قرار گرفته‌اند و برای آنان کیفرخواست صادر شده است. جهانگیر ادامه داد: همچنین چند نفر از مدیران بانکی دیگر نیز که به دلایل مختلف ازجمله ترک فعل، اهمال یا مشارکت در جرائم اقتصادی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند، یا برایشان کیفرخواست صادر شده یا در حال تحمل محکومیت‌اند و پرونده‌هایشان در دست بررسی است. جهانگیر در پاسخ به سؤالی درخصوص عدم بازدارندگی زندان برای محکومان گفت: برای همه این‌طور نیست که زندان بازدارنده نباشد و برخی بعد از زندان، کارآفرین یا حافظ قرآن شده‌اند. برخی نیز هستند که بعد از زندان دوباره مرتکب جرم می‌شوند که قانون برای آنها تشدید مجازات را در نظر گرفته است. اخیرا کمیته‌ای درخصوص مجازات‌های جایگزین حبس تشکیل شده است. درخصوص مجازات‌های جایگزین حبس، دستگاه قضائی تلاش کرده هم اثربخشی مجازات بیشتر شود و هم جمعیت داخل زندان کم شود. فقط مجرمان خشن مثل اراذل و اوباش هستند که هیچ مجازات جایگزینی ندارند. در مواردی مجرم به اجبار به کار در پروژه‌های عمرانی، کشاورزی و... محکوم می‌شود. با توجه به شخصیت اشخاص و نوع جرم برای همه یک نوع مجازات را نمی‌شود تعیین کرد. وی درباره آخرین وضعیت پرونده ریگان‌خودرو گفت: پس از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست‌های جداگانه، پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۱۵ دادگاه کیفری یک استان ارجاع داده شده است. این شعبه با تشکیل جلسات دادرسی و بررسی اوراق و محتویات پرونده، دادنامه‌هایی را صادر کرده و متهمان اعم از لیون جونگ کوانگ تبعه چین و کسان دیگری از متهمان ایرانی را به اتهام کلاهبرداری مشدد، هر یک به تحمل ۱۲ سال و شش ماه حبس و پرداخت بیش از ۱۲ هزار میلیارد ریال جزای نقدی و رد مال در حق مال‌باختگان محکوم کرده است. پرونده پس از طی مراحل قانونی، جهت اجرای حکم نسبت به هزارو ۲۹۴ نفر از مال‌باختگان به شعبه اجرای احکام ارسال شده است. سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سؤالی مبنی بر آخرین وضعیت پرونده‌های مفاسد اقتصادی و بازگشت اموال نامشروع و انتشار اسامی متهمان در رسانه‌ها گفت: در رابطه با انتشار اسامی متهمان در رسانه‌ها تا جایی که قانون به ما اجازه دهد اطلاع‌رسانی انجام خواهد شد، اما در رابطه با روند رسیدگی به این پرونده‌ها در مجتمع ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی در سال ۱۴۰۳ که منجر به صدور حکم و رد مال بیت‌المال شده است، توضیحاتی ارائه می‌شود. وی افزود: در رابطه با پرونده کلان قاچاق لوازم خانگی موسوم به بوش، بیش از ۴۲۳ کانتینر کالای قاچاق به نفع بیت‌المال مصادره شد. یکی دیگر از احکامی که درمورد رد مال صادر شده، به گروه گلستان برمی‌گردد که در این پرونده پیرو پیگیری‌های انجام‌شده در مرحله محاکمه و قبل از صدور رأی، با اقداماتی که توسط دادگستری استان تهران و رئیس کل دادگستری استان انجام شد، تمامی مطالبات بانک‌های شاکی اعم از اصل، سود و خسارت تأخیر تأدیه بالغ بر هفت‌هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان وصول و پرونده مختومه و از تأثیر سوء پرونده قضائی در واحدهای تولیدی جلوگیری شد. جهانگیر ادامه داد: حکم دیگری که داشتیم در رابطه با گروه دبش بود که در بخش اول این پرونده با برگزاری بیش از ۲۴ جلسه دادگاه به‌صورت علنی درخصوص بیش از ۴۰ متهم تعیین تکلیف و حکم قطعی صادر شد. در این پرونده، متهم ردیف اول و سایر متهمان به استرداد عین ارز به میزان بیش از دومیلیاردو ۲۶۹ میلیون یورو، جزای نقدی به میزان بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان و رد مال در حق بانک‌های شاکی به میزان بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان محکوم شدند که حکم صادره با قاطعیت در مرحله اجرا قرار دارد. وی تأکید کرد: در پرونده دیگر که مربوط به شرکت تعاونی مولی‌الموحدین بود، با برگزاری جلسات متعدد در دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی، علاوه بر صدور حکم بر محکومیت متهمان، درخصوص رد مال و جبران ضرر و زیان ناشی از جرائم ارتکابی متهمان، حکم قابل توجهی صادر شد. اولا، درخصوص عواید حاصل از جرائم ارتکابی متهمان که در سال‌های ۹۰ تا ۹۶ بالغ بر هفت هزار میلیارد تومان بود، حکم به رد عواید حاصل از این جرائم صادر شد که ارزش این عواید بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است. ثانیا، بابت جبران ضرر و زیان ناشی از جرائم ارتکابی، حکم به ضبط اموال محکوم‌علیهم صادر شده که ۶۴ درصد سهام بانک ایران‌زمین و چند قطعه املاک بزرگ در تهران ازجمله این اموال است. ثالثا، با حکم صادره، تمام زیان وارده به هزاران سهامدار بانک ایران‌زمین جبران و این بانک از ناترازی مالی خارج شد. رابعا، با حکم صادرشده تمامی مطالبات بانک مرکزی از بانک ایران‌زمین که بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان بود، پرداخت شد.

واکاوی روابط ایران و اروپا در آستانه نشست فصلی شورای حکام در گفت‌وگو با ابوالقاسم دلفی

بیم و امیدهای روابط با قاره سبز

عبدالرحمن فتح‌الهی: نشست دیپلماتیک نمایندگان ایران با مدیران سیاسی سه کشور اروپایی (فرانسه، انگلیس، آلمان) و اولاف اسکوگ، معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، روز جمعه در کنسولگری ایران در استانبول برگزار شد. کاظم غریب‌آبادی و مجید تخت‌روانچی، معاونان وزارت امور خارجه ایران، میزبان این نشست بودند که بر آخرین وضعیت مذاکرات غیرمستقیم هسته‌ای و لغو تحریم‌ها متمرکز بود. غریب‌آبادی در شبکه اجتماعی ایکس تأکید کرد که ایران و تروئیکای اروپایی بر حفظ دیپلماسی و استفاده بهینه از آن مصمم‌اند و در صورت نیاز، گفت‌وگوها ادامه خواهد یافت. کریستین ترنر، مدیرکل سیاسی وزارت خارجه انگلیس نیز با تأیید تعهد به گفت‌وگو، از پیشرفت مذاکرات ایران و آمریکا استقبال کرد. دیدار با اسکوگ که پس از نشست با تروئیکا انجام شد، نشان‌دهنده تلاش برای تقویت کانال‌های دیپلماتیک با اتحادیه اروپاست. این مذاکرات در حالی برگزار شد که ایران و آمریکا تاکنون چهار دور گفت‌وگوی غیرمستقیم با میانجیگری عمان را با نتایج سازنده پیش برده‌اند و از همه مهم‌تر در آستانه نشست فصلی شورای حکام و بیم از فعال‌کردن مکانیسم ماشه قرار داریم. بنابراین به باور طیفی، این نشست گامی در راستای کاهش تنش‌ها و پیشبرد دیپلماسی برای حل مسائل هسته‌ای و تحریم‌ها محسوب می‌شود. تحلیل این موضوع را در گفت‌وگویی با ابوالقاسم دلفی پی گرفته‌ایم. آنچه در ادامه می‌خوانید، ماحصل گپ‌وگفت با سفیر اسبق ایران در فرانسه، صربستان، بلژیک، کلمبیا و شیلی است.

جناب دلفی، نشست فصلی شورای حکام در خردادماه که طیفی از ناظران معتقدند بیم و نگرانی بابت فعال‌کردن مکانیسم ماشه وجود دارد، باعث شد که تهران نشست‌هایی را با تروئیکای اروپایی انجام دهد که دور جدیدش در استانبول و در سطح معاون وزرای خارجه برگزار شد. به باورتان با این دست نشست‌های پراکنده و این سطح از مقامات آیا می‌توان لندن، پاریس و برلین را از اقدامات قهری علیه تهران بازداشت؟

موضوع اصلی ایران نیست، بلکه سیاست‌های ترامپ است. همه می‌دانیم که دولت ترامپ از ابتدا با برجام، با روندی که مذاکرات را به ثمر رساند، با گروه ۱+۵، با دموکرات‌ها چه دولت بایدن و چه اوباما، با حضور رقبا و... مخالف بود. به همین دلیل در دور جدید گفت‌وگوهای ایران و آمریکا که چهار دوره آن برگزار شده و در آستانه دور پنجم هستیم، ترامپ یک روند متفاوت را تعریف کرد و با ارسال نامه مستقیم و گفت‌وگوهای دوجانبه تهران-واشنگتن، نشان داد اساسا تمایلی ندارد هیچ بازیگر دیگری وارد این مذاکرات شود؛ نه روسیه و چین، نه اتحادیه اروپا و نه حتی سه کشور اروپایی عضو برجام. البته موضوع مناسبات اروپا و آمریکا از زمانی که دونالد ترامپ دوباره به کاخ سفید برگشته است، در مسائل دیگر هم چندان مناسب نیست؛ از موضوع ناتو گرفته تا جنگ اوکراین، جنگ تعرفه‌ها و مسائل تجاری، مسائل مربوط به حوزه انرژی و نظایر آن. اما در بحث مشخص هسته‌ای ایران، ترامپ به‌هیچ‌عنوان تمایلی نداشت که به‌جز مذاکره با ایران، هیچ بازیگر دیگری را دخالت بدهد. طبیعتا اروپایی‌ها هم مانند روسیه و چین از کنار گذاشته‌شدن در مذاکرات هسته‌ای ایران برخلاف مذاکرات برجام ناراضی بودند و از زمان آغاز مذاکرات مسقط و رم، بارها دیدیم که مقامات آلمانی، فرانسوی، انگلیسی و حتی اتحادیه اروپا نارضایتی خود را اعلام کردند و هرازگاهی برای نشان‌دادن توان دیپلماتیک خود به موضوع مکانیسم ماشه اشاره می‌کردند.

با این ادبیات اروپا سعی کرد نشان بدهد اگرچه در مذاکرات هسته‌ای حضور ندارد، اما مکانیسم ماشه را در اختیار دارد و هنوز هم سایه برجام روی مذاکرات تهران-واشنگتن اثرات خود را دارد. به هر حال توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، امکانات و ابزارهایی در اختیار اروپایی‌ها قرار داده است که هنوز می‌توانند از آن استفاده کنند و محل تأثیر باشند. ضمن اینکه نباید فراموش کنیم بعد از سفر گروسی به تهران، اروپایی‌ها سعی کردند از اظهارنظرهای مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه برنامه هسته‌ای ایران برای خود یک محل مانور دیپلماتیک ایجاد کنند و دوباره موضوع فعال‌کردن احتمالی مکانیسم ماشه را مطرح می‌کردند. مجموعه این شرایط باعث می‌شد که اروپا در این مدت تلاش کند یا خود را وارد مذاکرات کند یا به هر طریقی شده، منافع آنها نیز در این مذاکرات تأمین شود. اما همان‌طور که گفتم، آمریکایی‌ها تمایلی نداشتند بازیگر دیگری وارد مذاکرات با ایران شود. در ضمن ما نیز در این مدت تلاش نکردیم که اروپا را وارد این معادلات کنیم.

یعنی مسیر ترسیمی ایران با اروپا از منظر شما محل سؤال و نقد است؟

بله، چون مصلحت این بود که با آغاز مذاکرات، روابط متناسب و متوازنی را با همه طرف‌هایی که در بحث هسته‌ای ایران محل تأثیر بودند، داشته باشیم، نه اینکه مذاکرات موازی را انجام دهیم، اما به هر حال باید این روابط مدیریت می‌شد و آنها را هم در جریان مذاکرات با آمریکا قرار می‌دادیم، کمااینکه درباره روسیه و چین این کار را انجام دادیم. به هر حال نشست‌هایی را برگزار کردیم و مسکو و پکن را در جریان مذاکرات با آمریکا قرار دادیم. حتی با سفر منطقه‌ای، کشورهای حاشیه خلیج فارس را هم در جریان این مذاکرات قرار دادیم. به همین دلیل جا داشت که رفتار مشابهی هم با اروپایی‌ها انجام می‌دادیم. درحالی‌که اکنون آخرین تلاش‌ها و تماس‌ها با اروپایی‌ها انجام شد. اگر خاطرتان باشد، در دور چهارم مذاکرات که قرار بود در رم برگزار شود، بنا بود ما مذاکراتی در سطح وزرای امور خارجه با تروئیکای اروپایی داشته باشیم، اما به دلایلی که مطرح شد، این نشست به تعویق افتاد، به همین دلیل نشست تهران با اروپایی‌ها هم کنسل شد و نهایتا مذاکرات ایران و تروئیکای اروپایی در سطح معاونان وزرای خارجه در استانبول برگزار شد.

به باور شما می‌توانستیم نشست‌های جداگانه‌ای را انجام بدهیم؟

بله، اگر به هر دلیلی مذاکرات ایران و آمریکا در دور چهارم در رم به تأخیر افتاد، ما نباید مذاکرات با اروپا را هم کنسل می‌کردیم و باید این نشست را انجام می‌دادیم.

به چه دلیل چنین باوری دارید؟

آن دیدار ما با اروپا ربطی به مذاکرات ایران با آمریکا نداشت. ما می‌توانستیم از ظرفیت آن نشست برای بهبود نسبی روابط با این سه کشور نهایت استفاده را ببریم و رابطه سرد کنونی را تا قدری تلطیف و تعدیل کنیم. نکته دیگری هم که باید بگویم، این است که اصولی‌تر، منطقی‌تر و حقوقی‌تر این بود که به جای سه کشور اروپایی، ما با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا وارد گفت‌وگو می‌شدیم و خانم گالاس را در جریان مذاکرات هسته‌ای قرار می‌دادیم. به هر حال از نظر حقوقی و طبق برجام، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به‌عنوان هماهنگ‌کننده ۱+۵ در مقام اعضای برجام عمل می‌کند. همچنین اتحادیه اروپا، مسئول هماهنگی دیپلماتیک اعضای این اتحادیه نیز به شمار می‌رود.

یعنی قدرت دیپلماتیک پاریس، برلین و لندن پایین‌تر از بروکسل است؟

نه، قاعدتا این سه کشور از نظر وزن دیپلماتیک توان بیشتری دارند. به هر حال انگلستان و فرانسه دو عضو دائم شورای امنیت و دارای حق وتو هستند، بنابراین قدرت فشار و تأثیر آنها بیشتر از اتحادیه اروپاست.

پس این ادعای شما، اصل حرف‌تان را نقض می‌کند؟

نه، موضوع من چیز دیگری است؛ اینکه ما باید یک هماهنگی و توازن را رعایت می‌کردیم. یعنی همان‌گونه که چین، روسیه و کشورهای عربی را در جریان مذاکرات قرار دادیم، باید اروپایی‌ها را هم در جریان قرار می‌دادیم و هم‌زمان که سه کشور اروپایی عضو برجام را در جریان مذاکرات قرار داده‌ایم، باید مسئول سیاست خارجی را هم در جریان مذاکرات قرار می‌دادیم. بنابراین اصل حرف من این است که باید این اصل توازن حفظ شود.

با این اوصاف باید پرسید که نشست استانبول پیش از نشست فصلی شورای حکام کارگشاست؟

من اینجا هم انتقاداتی دارم.

به نشست استانبول؟

بله.

چه انتقاداتی؟

به هر حال نشست استانبول در سطح معاونان وزرای امور خارجه از سمت ایران برگزار شد و از همه مهم‌تر توازن و تناسب بین سطح مشارکت‌کننده‌های ایران و سه کشور اروپایی حفظ نشد. یعنی معاون سیاسی وزیر امور خارجی ایران در استانبول حاضر شد، اما در طرف اروپایی، مدیرکل‌های وزارت امور خارجه در این نشست حاضر شدند و این نقیصه از دوره برجام تاکنون ادامه یافته است. ما از همان دوران برجام این سطح نابرابر از هیئت مذاکره‌کنندگان ایران و اروپا را پذیرفته‌ایم و همچنان ادامه دارد که نشانه خوبی نیست. چون اروپایی‌ها ثابت کرده‌اند اگر بخواهند در موضوعی کارشکنی کنند یا از پذیرش تعهدی سر باز بزنند، سعی می‌کنند نشست‌ها را با مدیرکل‌های سیاسی وزارت امور خارجه پیش ببرند تا این‌گونه توجیه کنند که برای تصمیم‌گیری باید با مقامات ارشد رایزنی کنند و این‌گونه زمان طلایی برای مذاکره و توافق از بین می‌رود. در حالی که طرف ایرانی در سطح معاون وزیر امور خارجه وارد مذاکره شد که می‌تواند قدرت تصمیم‌گیری بالاتری داشته باشد.

نقد شما بیش از آنکه به رفتار تهران باشد، متوجه اروپایی‌ها نیست؟

نه تا حدودی متوجه ما هم هست. متأسفانه اینجا باید این نکته را هم یادآور شد که تیم سیاست خارجی همان تیم مذاکره‌کننده برجام است و با همان اندیشه و نگاه به مذاکرات کنونی نگاه می‌کند که کاملا اشتباه است.

به چه دلیل، چون معتقدید مذاکرات کنونی کاملا متفاوت از برجام است؟

صددرصد. شرایط کنونی در سال ۲۰۲۵ به‌کل متفاوت از برجام در سال ۲۰۱۵ است. اکنون مذاکرات هسته‌ای ایران با ۱+۵ نیست، بلکه مذاکرات هسته‌ای مستقیم ما با آمریکا، آن هم در دولت ترامپ است. لذا آنچه در این چهار دور گذشته، کاملا متفاوت از برجام است. ترامپ هم بارها گفته که به دنبال برجام نیست، بلکه به دنبال یک توافق جدید است. پس قالب، شکل و محتوای این مذاکرات کاملا متفاوت است و باید تیم مذاکره‌کننده این را هم لحاظ کند که با یک نگاه جدید، با یک سیاست جدید و با یک راهبرد و تاکتیک جدید وارد شود و با این قالب، شکل و محتوای تازه، اهداف خود را تنظیم کند. پس واقعا ما می‌توانستیم در این مدت فضای سرد روابط با اروپا را تعدیل کنیم که نکردیم و همین امر باعث شده است اکنون اروپا و آمریکا در یک جبهه قرار بگیرند.

با این حال، طیفی از ناظران معتقدند بهبود روابط ایران و اروپا بیش از آنکه به سیاست‌های ایران ارتباط داشته باشد، متوجه کم‌کاری قاره سبز است؟

ما باید دقیق‌تر به موضوع نگاه کنیم؛ می‌توانستیم هوشمندانه‌تر عمل کنیم. من در مصاحبه‌ای که سال گذشته با شما در «شرق» داشتم، بر این نکته تأکید کردم که وزارت خارجه دولت پزشکیان، بهبود روابط با اروپا را در دستور کار قرار دهد. درست است که آن زمان موضوع درگیری‌های ایران و اسرائیل مطرح بود، بعد بازگشت ترامپ به کاخ سفید و شرایط دیگر باعث شد این مذاکرات انجام نشود و هرازگاهی ما دیدارهایی را در سطح معاونان سیاسی با طرف‌های اروپایی داشتیم؛ درست است که اروپا بارها چراغ سبز ایران برای مذاکرات را نادیده گرفت، اما این را هم بپذیریم که ما هم در یک سال گذشته آن‌طور که باید نتوانستیم برای بهبود روابط با اروپا گام‌های عملی و جدی برداریم. صادقانه ما جدیت نداشتیم.

به سؤال اول مصاحبه بازگردیم که بی‌پاسخ ماند؛ با این دست نشست‌ها که به آن انتقاد دارید، آیا پیشاپیش هشدار می‌دهید که مکانیسم ماشه فعال خواهد شد؟

مذاکرات ایران و آمریکا تابع هیچ پارامتر دیگری نیست، اما اگر می‌توانستیم روابط خود را با دیگر طرف‌ها تنظیم کنیم، ضمن آنکه به رفع نگرانی‌های خودمان منجر می‌شد، می‌توانستیم آن را به‌مثابه تقویت توان چانه‌زنی و افزایش اهرم‌های مذاکراتی در برابر آمریکا به کار ببریم. ظاهرا ما حمایت روسیه، چین و همچنین کشورهای عربی را برای تداوم مذاکره با آمریکا داریم که به ما قدرت چانه‌زنی بالاتری داد. پس ضرر نمی‌کردیم که روابط با اروپا را هم به‌گونه‌ای تنظیم و تعریف می‌کردیم که آنها هم نه در جبهه آمریکا و در سایه فعال‌کردن مکانیسم ماشه، بلکه به‌عنوان یک بازیگر حامی از مذاکرات عمل می‌کردند. اکنون موضوع بازی پلیس خوب و پلیس بد مطرح است و آمریکایی‌ها روی فعال‌کردن مکانیسم ماشه توسط اروپایی‌ها حساب باز کرده‌اند که می‌تواند یک اهرم فشار در برابر تهران باشد.

این جواب سؤال من نیست. آیا اروپا مکانیسم ماشه را فعال می‌کند؟

هیچ چیزی مشخص نیست. آن چیزی که مشخص است، این است که در نشست استانبول تیم‌های فنی و معاونان سیاسی حضور پیدا کردند. یعنی اروپایی‌ها می‌خواهند از میزان پیشرفت مذاکرات ایران و آمریکا مطلع شوند تا براساس آن رفتار خود را تنظیم کنند.

سؤال من بی‌پاسخ ماند؛ اروپا از اهرم خود استفاده خواهد کرد؟

نباید به دنبال جواب قاطع این سؤال باشیم؛ چون همان‌طور که گفتم واقعا مشخص نیست. اما اروپایی‌ها هم نمی‌توانند با تیم فنی در سطح مذاکرات ایران و آمریکا رفتار کنند؛ چون هم اروپا و هم ایران باید درک کنند که شکل، محتوا و قالب مذاکرات متفاوت از برجام است. پس اگر می‌خواهیم کاری انجام بدهیم، باید تیم سیاسی، آن هم در سطح وزرا عملا مذاکرات را کلید بزنند یا اینکه مذاکرات را با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پی بگیریم.

در فاصله کوتاه تا نشست فصلی شورای حکام به نظرتان فرصتی برای این کار وجود دارد؟

اگر اروپا بخواهد مکانیسم ماشه را فعال کند تا اواسط تیرماه بیشتر فرصت ندارد؛ چون بعد از آن دیگر فرصت لازم حقوقی برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه تا پایان انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱ در مهرماه ۱۴۰۴ وجود ندارد. پس هرچه بخواهد اتفاق بیفتد، در همین مدت و تا قبل از اواسط تیرماه خواهد بود. این را هم در نظر بگیریم که تیم فنی اروپایی‌ها اشراف کامل روی موضوع هسته‌ای ایران دارند و با گروسی و آژانس هم هماهنگ هستند. این نشست‌ها می‌تواند بستر برای تفاهم‌های اولیه را فراهم کند. اما به باور من اگر این اتفاقات زودتر روی می‌داد و نشست‌های ما و اروپا در سطح وزرا انجام می‌شد، دیگر این نگرانی‌ها را در روزهای منتهی به نشست فصلی نداشتیم که آیا اروپا مکانیسم را فعال می‌کند یا نه.

علاوه بر زمان کوتاه، اکنون ابزار هم محل سؤال است. آیا تهران اهرمی برای تعامل با اروپا و فعال‌نکردن مکانیسم ماشه دارد؟

به نظر من اکنون دو راه‌حل در اختیار ایران است؛ راه اول اینکه ما مذاکرات جدی و سیاسی در سطح وزرا و همچنین مذاکرات با نماینده سیاست خارجی اتحادیه اروپا را کلید بزنیم و اختلافاتمان را با آنها حل کنیم تا مانع از فعال‌شدن مکانیسم ماشه شویم. راه‌حل دوم این است که مذاکرات با آمریکا را تا مرحله توافق پیش ببریم و خود آمریکا مانع از فعال‌کردن مکانیسم ماشه شود؛ چون قطعا نمی‌توان انتظار داشت که ایران مذاکرات با آمریکا را تا مرحله توافق پیش ببرد و اروپا مستقلا مکانیسم ماشه را فعال کند.